

## فشار گلوبالیزاسیون بر زنان در آسیا\*

### فریده ثابتی

در این گزارش من روی کشور خودم پاکستان متمرکز می شوم، چون آن را خوب می شناسم و می خواهم آن را به عنوان یک مطالعه موردی مطرح کنم.

من در این جا درباره زنان Root { منطقه ای در پاکستان } صحبت می کنم، اما این امر اساسا به عرصه سیاست گلوبالیزاسیون مربوط می شود، که در پاکستان در سه عرصه اصلی نمودار شده است:

- موافقت نامه بین المللی تعرفه و تجارت
- برنامه های تعدیل ساختاری، که حالا با PRSP ها؛ و
- نظامی کردن، جایگزین گردیده است.

این ها سه شاخه گلوبالیزاسیون هستند، که ما نیاز داریم، به خاطر درک آن چه که در آسیا، در رابطه با زنان رخ می دهد، به آن ها توجه کنیم. دولت پاکستان به طور مطلق، طرفدار دستور کار نئولیبرالی است که توسط انستیتوی بین المللی مالی (IFI)، ایالات متحده و نیروهای گروه ۸، پرورانده شده است. مدلی که خواسته شده تا ما با آن به پیش برویم، مدل رشد مرکز توسعه است، و تحت این مدل، آن چه که برای ما رخ می دهد، عبارت است از صنعتی شدن همراه با پدرسالاری.

دراقتصادهایی شبیه اقتصاد ما، که به طور بنیادی، اقتصادی معیشتی است، ما مشاهده گر مهاجرت وسیع زنان هستیم، و هم چنین، داد و ستد سکس. من وارد این بحث نمی شوم، چون توسط سخنگوی قبلی، مورد بحث قرار گرفته است، اما من می خواهم ذکر کنم که تقریبا در تمام کشورهای آسیا، چه پاکستان، بنگلادش یا فلیپین، داد و ستد وسیع سکس وجود دارد، و این می تواند مستقیما به سناریوی تجارت بین المللی متصل شود.

آسیا، به ویژه آسیای جنوبی، وسیعا روستایی است، و اقتصاد ما به آن چه که در تولید کشاورزی، رخ می دهد وابسته است. اکثریت مردم کشاورز اند و بیش از ۵۰ درصد کشاورزان، تولید کننده های کوچک هستند. ۱۲۵ میلیون متصرف (مالک) کوچک وجود دارد که ۲۰۰ میلیون هکتار زمین را در اختیار دارند، میانگین اندازه زمین کشاورزی از ۱،۶ هکتار، بیشتر نمی شود. از این مزارع کوچک، ۸۰ درصدشان کم تر از ۶ دهم هکتار وسعت دارند، که یک سوم تمام زمین کشاورزی را در آسیای جنوبی شامل می گردد. برخی از نمودارهای ملی به ما می گوید که:

- در هند، به طور مطلق بی زمین ها و یا تقریبا بی زمین ها، ۴۳ درصد خانوارهای روستایی را تشکیل می دهند؛
- واضح است که بیش از ۴۰۰ میلیون نفر در هند، کشاورزان کوچک و حاشیه نشین هستند؛
- در پاکستان، تقریبا نیم خانوارهای روستایی ساکن دو استان بزرگ (پنجاب و سند)، بدون زمین هستند؛
- ۹۳ درصد کشاورزان در پاکستان، کشاورزان کوچک اند؛
- در سری لانکا، ۱،۸ میلیون نفر، کشاورزان کوچک اند؛
- از طرف دیگر، دقیقا ۴ درصد خانوارهای روستایی در پاکستان، مالک ۵۰ درصد زمین ها هستند؛
- ۱،۳ درصد زمین داران در پاکستان ۳۳ درصد زمین ها را در مالکیت خود دارند و ۲ درصد زمین داران، مالک ۱۴ درصد زمین (بیش از ۱۵۰ اکر در مزرعه) هستند.

بنا بر این ما درباره عدم شباهت های عظیم در مالکیت زمین حرف می زنیم. بخش بزرگی از جمعیت درگیر تولید کشاورزی است، اما کنترل اندکی بر زمین دارد. وضعیت زنان در این زمینه بسیار خراب است: تنها حدود ۴ دهم درصد زنان در آسیای جنوبی، مالک زمین اند، حتی در فلیپین که در آن، یک رفرم ارضی صورت گرفته است، فقط ۱۳ درصد زنان به زمین دست یافته اند.

در حقیقت وقتی ما از زنان و از حق بر زمین صحبت می کنیم، بنظر می آید که از یک رویای دور حرف می زنیم، باید پرسیم که آیا زنان حتی حق حیات دارند. در پاکستان، تنها ۴۸ درصد جمعیت را زنان تشکیل می دهند. نظریه این که تقریبا در همه نقاط جهان، زنان اکثریت جمعیت اند، در آسیای جنوبی تعداد زنان از مردان کم تر است. این به دین معنی است که - به طور مستقیم یا غیرمستقیم- بچه دختر نسبت به پسر از نظر اجتماعی یا اقتصادی، ارزش مند در نظر گرفته نمی شود.

با توجه به نقش زنان در تولید، زنان ۹۰ درصد برنج قاره را، غذای اصلی آسیا را تولید می کنند. بیش از ۷۰ درصد زنان روستایی، در تولید کشاورزی کار می کنند، شباهتی که در کل جهان یافته می شود، اما به آن ها چه قدر پرداخت می گردد؟ همان طور که سخن گوی اصلی ما، صبح بیان کرد، وسیله معاش ایجاد شده است، اما تقریبا در حال کسب شدن است. این مربوط به داشتن یک زندگی با کیفیت است. در پاکستان، زنان برای ۱۲ ساعت کار کشاورزی، ۶۰ روپیه مزد می گیرند که کم تر از یک یورو است. برای چیدن سبزی جات، برای هر ۶۰ کیلو ۲۵ روپیه مزد می گیرند، ۶۰ کیلوگرم مقدار خیلی زیادی است! برای چیدن پنبه، برای هر ۴۰ کیلوگرم، ۶۰ روپیه مزد می گیرند. همه این کارها بسیار سخت است، و مزد آن ها این قدر ناچیز - حتی نه یک دلار - این مزد فقط به کارگران امکان یک بار تغذیه در روز را می دهد.

**وضع سواد چگونه است؟** در این جا من دوباره شما را به صحبت های سخنگوی صبح امروز برگشت می دهم، که گفت ما نیاز داریم به شرایط مردان هم توجه مبذول داریم. با نگاه به وضعیت کلی در کشورمان، می توانید ببینید، که

میزان سواد برای مردان هم خیلی خوب نیست (۵،۵ درصد مردان باسواد هستند، اما زنان فقط ۳۲ درصد). بنابراین در رابطه با کشورهای دیگر آسیا، به ویژه در مناطق روستائی، میزان سواد در پاکستان خیلی بد است. در بلوچستان فقط ۸،۸ درصد زنان می توانند بخوانند، در شمال پاکستان ۱۵،۷ درصد، در پنجاب ۱۳،۵ درصد. این امر به سرعت و مستقیماً به مساله حقوق برمی گردد. زنانی که تحصیل کرده نیستند، مهارت اندکی دارند و احساس ناامیدی می کنند و قادر نیستند، برای حقوق خود بجنگند.

اکنون می خواهیم بعضی از چهره های قدرت منطقه ای و بین المللی را، که این وضعیت را ایجاد کرده اند به شما نشان دهیم. پاکستان دکتربین بازار آزاد را پذیرفته است و تغییرات زیادی در تطابق با آن، در وضع قوانین ایجاد کرده است. این ها شامل تغییراتی در قوانین کنترل شرکت ها بر زمین های کشاورزی است، به خوبی یک ساختار بازار آزاد برای تولید کشاورزی، در واقعیت امر، پاکستان مایل است زمین را به تعاونی ها اجاره دهد اما مایل نیست با فرم های ارضی، زمین را بین اکثریت بی زمین توزیع کند. هر چیزی در پاکستان در مالکیت زمین داران، تعاونی های کشاورزی یا ارتش است- ارتش تنها در یک منطقه، مالک ۵۰ هزاراگر زمین است.

### ساز و برگ مزرعه داری شرکتی

- کمپانی ها قادر اند، در بورس سهام پاکستان، زمین کشاورزی را اجاره کنند
- حداقل مقدار زمین برای اجاره : ۱۵۰۰ اکر
- زمین سقف دار به اجاره داده نمی شود
- مدت اجاره : ۵۰ سال، با یک دوره تمدیدی ۴۹ ساله

نیروهای دیگری هم وجود دارد:

- IFI به اضافه ی بانگ توسعه آسیا، که در پاکستان بسیار فعال است.
- تعاونی های فراملیتی
- کشورهای قدرت مند گروه ۸

این ها قدرت هایی هستند، که ما با آن ها در حال مبارزه هستیم، نه فقط سرمایه داران محلی- مالکان زمین، صاحبان کارخانه ها و ارتش- بل که با این چهره های بین المللی سرمایه داری هم درگیر هستیم.

فشار IFI ها را می توان با قیمت های انحصاری تولیدات کشاورزی، روشن کرد. قیمت گازوئیل در فاصله ۱۳ سال مابین ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳ ، ۱۱۷ درصد افزایش یافت ( ۶۹ درصد افزایش در فاصله ۲۰۰۰- ۱۹۹۰ ، ۲۸،۴ درصد افزایش در فاصله ۲۰۰۳- ۲۰۰۰ ). در دهه ۲۰۰۰- ۱۹۹۰ افزایش شدیدی در قیمت الکتریسیته رخ داد (۴۲ درصد)، کود) مقدار خیلی عظیمی ۱۷۳ درصد، و تراکتور (۶۶ درصد)، و یک مالیات عمومی ۱۵ درصدی فروش توسط حکومت به مردم تحمیل شد. همه این چیزها با کاهش قیمت کالاهای تولیدی کشاورزی همراه بود. این برای کشاورزان یک فاجعه است: آن ها برای راندن تراکتورها و در آوردن آب از چاه، به گازوئیل وابسته اند؛ به محض این که قیمت گازوئیل بالا می رود، قیمت همه چیزهای مصرفی در کار کشاورزی بالا می رود. و تنها راهی که در کشور ما، اکثر مردم می توانند با آن امرار معاش کنند، تولیدات کشاورزی است. وقتی قیمت مواد مصرفی برای تولیدات کشاورزی این چنین افزایش یابد، راه رقابتی، برای ۹۳ درصد کشاورزان کوچک ما وجود ندارد. وقتی قیمت ها بالا می رود، مزدها پائین می آید، به نحوی که مردم، کم تر و کم تر رغبت برای کار دارند

## نشانه های قدرت شرکت ها

از ۱۰۰ شرکت فراملیتی سطح بالا:  
• امریکا ۶۱ درصد  
• اروپا ۳۳ درصد  
• ژاپن ۲ درصد  
درسال ۲۰۰۰، سود ۱۰۰ شرکت سطح بالای فراملیتی ۶،۶ تریلیون دلار آمریکا بود

ازجمله قدرت های شرکت های فراملیتی، کنترل انحصاری آن هاست. نیروهای فراملیتی ، با داشتن حق انحصار، قیمت تقریبا اکثر تولیدات کشاورزی را کنترل می کنند. هم چنین آن ها، درتکنولوژی سطح بالا دارای ۹۰ درصد حق انحصار هستند- اما این جا ما درباره کامپیوتر یا محاسبه گرها صحبت نمی کنیم، درباره غذا حرف می زنیم. انحصارهای کشاورزی قیمت مواد غذایی را بالا می برند. اگر قیمت غذا افزایش یابد، مردم بی غذا می مانند؛ و این جامعه ای ایجاد می کند که کارکردش بد است، جایی که مردم حاضر می شوند برای غذا هرکاری بکنند.

شرکت ها چه کار دیگری نسبت به زنان و کودکان انجام می دهند؟ وقتی آن ها شروع به کاشتن محصولات، ازقبیل پنبه یا گل آفتاب گردان می نمایند، بسیاری از مردم که در این مناطق زندگی می کنند، به مناطق دیگر مهاجرت می کنند، به جایی می روند که در آن جا محصولات غذایی کشت می شود. درپاکستان غذای اصلی مردم، گندم است، واگر مردم دربرداشت گندم کارکنند، آن ها برای کارکودکان هم پول دریافت خواهند داشت، آن ها برای تضمین غذای خود به این امر نیازدارند. هزاران هزار نفر به مناطق رشد گندم مهاجرت می کنند. سپس جمعیت زیادی برای دروی گندم وجود دارد، اما گندم کم تری وجود دارد { به دلیل کشت محصولات صنعتی } ، در نتیجه مردم، همواره، سهم های کوچک تر و کوچک تری به دست می آورند. و این تنها تضمین غذایی ای است، که آن ها در اختیار دارند. درضمن با چنین فشار بالائی در رابطه با غذای قابل دست یابی و کار، از مردمی، که در زمان خوشه چینی در مناطق رشد گندم زندگی کنند، کاسته می شود.

## ۴۵ سال تضمین غذایی و دستورکار سرمایه داری

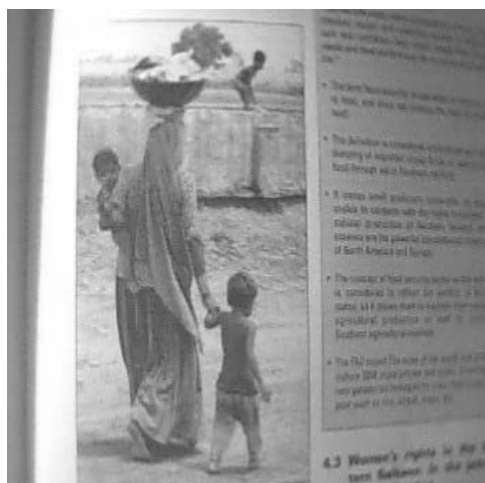
• سناتور آمریکایی، هوبرت هامفری، ۱۹۵۷: من شنیده ام . . . که ممکن است مردم برای غذا به ما وابسته شوند. می دانم که انگاشته نشده بود که خبرهای خوبی باشد. برای من، اما خبر خوبی بود، چون که قبل از این که مردم بتوانند کاری بکنند، باید چیزی بخورند. و اگر شما در جستجوی راهی هستید که مردم به شما تکیه کنند و به شما، تحت عنوان هم کاری وابسته شوند، به نظرم می آید که این، وابستگی فوق العاده ی غذایی خواهد بود.

• سکرتار کشاورزی آمریکا، جان بلوک، ۱۹۸۰: غذا یک اسلحه است، اما راه استفاده آن عبارت است از، وابسته کردن کشورها به ما. که اگر ما این راه را برویم، آن ها نمی آیند ما را ناراحت کنند.

• سکرتار کشاورزی آمریکا، آن. ام. ونه من، ۲۰۰۱: ما سخت کار می کنیم تا توانایی زارعان آمریکایی را برای رقابت در بازار جهانی، توسعه دهیم. به درستی، موفقیت آینده ی کشاورزی آمریکا وابسته به دست یابی به بازار جهانی است.

• ریاست جمهوری آمریکا، جرج. دبلیو. بوش: ما می خواهیم گوشت، غلات و حیوانات مان را به مردم سراسر جهان، به کسانی که به خوردن نیاز دارند، به فروشیم. توصیه ی من، سخت کار کردن برای باز کردن بازارها است.

چگونه این را تا سطح جنسیت پایین بیاوریم؟ این چیزی است که من می خواهم انجام دهم، چون که برای ما، درجنش زنان، وخیم است فهمیدن همه آن چه که درجنوب، وبه طور غیرمستقیم درشمال، برای زنان در حال انجام یافتن است. نهایتا، آن چه که دربالا شرح دادم، بارسنگینی بردوش زنان می شود.



این عکسی است که من زیاد آن را مورد استفاده قرار می دهم: زن مقدار زیادی رخت شسته را، در پشتی روی سرش حمل می کند، کودکی در بغل دارد و دست کودک دیگری را گرفته با خودش راه می برد. او باید مایل ها راه برود، تا لباس را بشوید و دوباره، همین راه را، تا به خانه برگردد. این است نتیجه رشد مدل مرکز توسعه، هم چنین درکشورما، با نام " انقلاب سبز " ترویج می کردند، و اکنون به عنوان نفولیبیرالیسم ترویج می شود- این هر دو دقیقا سرمایه داری است.

من می خواهم صحبت ام را به طور خلاصه درباره سازمان ملل پایان بدهم ، چون که ما از حقوق صحبت می کنیم، و حقوق در دستورکار سازمان ملل قرار دارد. سازمان خواربار جهانی ( FAO )، استفاده از محصولات جی ام (اصلاح شده ی ژنتیکی) کشورهای گروه ۸ را مجاز کرده است. این یعنی حذف مطلق حقوق زنان - و این تحت عنوان یک دستاورد، فروخته می شود. این مرگ زنان و کودکان است. ما باید به آن نه بگوئیم. الان وقتی است که مردم باید بیایند و محکم به سازمان ملل به چسبند تا به عواقب این خیراندیشی، بنگرد، تا ببیند که این واقعا چه ترویجی است.

## FAO و امنیت غذایی

امنیت غذایی وقتی وجود دارد که؛ همه مردم در همه زمان ها، دست یابی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی، به غذای کافی سالم و مغذی داشته باشند. که احتیاجات مربوط به رژیم غذایی، آن ها را برآورد و ارزش غذایی برای یک زندگی فعال و سالم را داشته باشد.

- واژه " امنیت غذایی " اکنون به معنی دست یابی به غذا است، و این شامل تولید غذا نمی شود.
- تعریف به طور قابل ملاحظه ای، ستیزه جو است، چون که به جای کمک به تهیه وسایل، وارد کردن مواد غذایی بسیار ارزان را، در بازارهای جنوب، مجاز می کند.
- این امر تولید کننده های کوچک را آسیب پذیر می کند، به نحوی که قادر به رقابت با کالاهای دارای سویسید های بالای، فارم داران شمالی نیستند، که در واقع شرکت های فراملیتی امریکای شمالی و اروپا هستند.
- مفهوم امنیت غذایی شکل گرفته براساس این تعریف، در ملاحظه با وضعیت دولت های شمالی است، به نحوی که به آن ها، اجازه می دهد که تولید کشاورزی سویسید دار شان را به راحتی با تحت کنترل درآوردن بازارهای کشاورزی جنوب، حمایت کنند.
- گزارش FAO ، وضعیت غذا و کشاورزی ۲۰۰۴، در سرمایه گذاری های خصوصی و عمومی در زمینه ی تکنولوژی جدید ژنتیک برای بیشتر دانه های غذایی نامرغوب مثل برنج، گندم، ذرت، و غیره،

\* - مقاله مذکور توسط " عذرا طلعت سعید " از منطقه روتس پاکستان، در کنفرانس عمومی سالیانه ی انستیتو گوستاو- اشتترس مان، بن ، ۲۱-۲۲ مای ۲۰۰۴ ارائه شده و ترجمه ی فارسی آن، از متن انگلیسی موجود در گزارش کنفرانس، تحت نام گلوبالیزه کردن حقوق زنان انجام گرفته است. ترجمه مقاله به مفهوم قبول نقطه نظرهای نویسنده و یا هم نظر بودن با وی نیست. اما نویسنده سوا از تحلیل هایش و توسل اش به سازمان ملل و توهم به آن، توانسته شرایط موجود در بخش کشاورزی پاکستان را نشان دهد و همین مرا به ترجمه آن راغب کرد.

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

مارس ۲۰۰۵